مصاحبه
توسعه اقتصادی در کره جنوبی



نویسنده: دکتر سئونگ - هوت چون

مترجم: عطاءالله سینائی

ناشر: شرکت چاپ و نشر بازرگانی

نویسنده‌ای که در این شماره از مجله معرفی می‌شود، در سال ۱۳۴۶ در روستای «آبشاران علیا» در «چهارمحال و بختیاری» بدنیا آمده است. خود در خصوص شرایط محیطی دوران کودکی چنین می‌گوید: «پدرم کشاورز و دامدار بود و خُرده‌سوادی مکتبی داشت؛ ولی بخوبی اهل روایت‌ها و داستان‌های مذهبی و تاریخ بود. شاهنامه، خیام و حافظ را به خوبی می‌خواند و شرح می‌داد و روایت‌های شفاهی تاریخی را بواسطهٔ قدرت حافظهٔ خوبش نقل می‌کرد. پدرم به سیاست علاقمند بود. این علاقمندی به سیاست شاید از آن زمینه‌های تاریخی معاصر ایران و نقش بختیاری‌ها در این دوره تاریخی می‌آمد» ایشان تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند و دوره راهنمایی که درست مصادف با حملهٔ عراق و آغاز جنگ هشت ساله بود را در مهرماه ۱۳۵۹ در مدرسه‌ای تازه تاسیس و شبانه‌روزی در شهر بروجن طی نمود. در سنین کودکی بنا به تربیت خانوادگی به شعر و تاریخ علاقمند شد که این علاقه در دوره راهنمایی جای خود را به مطالعه قصه‌ها و تاریخ مذهبی می‌دهد. ایشان در پاییز ۱۳۶۲ پس از یک آزمون ورودی، وارد دانشسرای تربیت معلم می‌شود. از آغاز دوره راهنمایی تا پایان دبیرستان مقارن با حملهٔ عراق به ایران و دوران دفاع مقدس، ایشان در چند مرحله تحصیل را رها و در جبهه به رزمندگان می‌پیوندد. در خصوص این دوره چنین می‌گوید: «خوب و بد تحصیل در دانشسرای تربیت معلم، که در محیطی مذهبی و تحت نظم‌های خاصی نوجوانان را برای معلمی روستاها تعلیم و تربیت می‌کرد، در اندیشه و رفتار من آثار پایداری بر جای نهاد. دشواری‌های زندگی در غربت، محرومیت‌ها، انقلاب، جنگ، نوجوانی و آرزوها و شوق پیشرفت طعم تلخ و شیرین ماندگار این دوره از زندگی من است».

در سال ۱۳۶۶ از دانشسرای تربیت معلم فارغ التحصیل و پاییز آن سال به عنوان آموزگار عازم روستاهای استان چهارمحال و بختیاری می‌شود. سپس در کنکور سراسری سال ۱۳۶۷ شرکت می‌کند و علی رغم داشتن امکان قبولی در رشته‌های پرطرفدارتر در شهرستان‌ها، برای تحصیل در پایتخت و با برنامه تغییر رشته در دوره کارشناسی ارشد و ورود به دانشگاه تهران، رشته تاریخ دانشگاه شهید بهشتی را انتخاب اول خود قرار داده و پذیرفته می‌شود. در این مورد نیز حرف‌های شنیدنی دارد: «طبیعت خاص دانشگاه شهید بهشتی و انرژی جوانی و شوق بودن در تهران، شرکت در مجامع دانشگاهی، علمی و سیاسی، پرسه زدن در کتابفروشی‌های خیابان انقلاب، زندگی در خوابگاه دانشجویی و مطالعه، برنامه فشرده روزمره من بود و همزمان در مدارس جنوب غربی شهر تهران آموزگار بودم». در بهمن ماه ۱۳۷۱ از دوره کارشناسی فارغ التحصیل و در کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۲ وارد رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران می‌شود. همزمان با تحصیل در دانشگاه تهران به عنوان دبیر دبیرستان‌های تهران، از جمله در دبیرستان ماندگار البرز اشتغال یافته، پس از دفاع از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد خود با عنوان «ساختار نظام اجتماعی و توسعه در ایران» در بهمن ماه سال ۱۳۷۵ خدمت در آموزش و پرورش را ادامه می‌دهد و پس از طی نمودن فرایند جذب اعضای هیات علمی به عنوان عضو هیات علمی وارد دانشگاه شهرکرد می‌شود. در سال ۱۳۸۷ با اخذ پذیرش از

دانشگاه تهران در دوره دکترای جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران ثبت نام نموده و با طی دوره در تابستان ۱۳۹۱، به عنوان دانشجوی ممتاز از رساله دکتری خود با عنوان «نظام ملی نوآوری و رشد صنعتی در ایران» دفاع می‌کند که مبتنی بر ارائه تحلیلی نهادی در خصوص دلایل عدم شکل‌گیری سیستم نوآوری و بنابراین عدم تحقق شکوفایی صنعتی در ایران، علی‌رغم وجود دوره‌هایی از رشد صنعتی است.

نویسنده منتخب این شماره دکتر «عطاءالله سینائی» است که در مهرماه ۱۳۹۵ به دانشگاه پیام نور تهران منتقل شده و در حال حاضر در این دانشگاه به خدمت اشتغال دارد. دکتر «سینائی» ظرف سه سال گذشته سه اثر مهم به جامعه اقتصادی کشور هدیه داده است. تألیف کتاب «نظام صنعتی پیشاسرمایه‌داری در ایران، تحلیل جامعه‌شناختی توسعه» در سال ۱۳۹۹ و ترجمه دو کتاب «تکامل دولت توسعه‌گرا در شرق آسیا، هنگ‌کنگ و سنگاپور» و«دولت، جامعه و توسعه اقتصادی در کره‌جنوبی» در سال ۱۴۰۱ سه کتاب اخیر ایشان است که اولی توسط نشر جامعه‌شناسان و دو کتاب بعدی توسط نشر بازرگانی به چاپ رسیده است. در این قسمت از مجله در خصوص آخرین ترجمه ایشان با عنوان «دولت، جامعه و توسعه اقتصادی در کره جنوبی» به بحث نشسته‌ایم.

مجله: جناب آقای سینائی، چه ویژگی‌های منحصر به فردی در توسعه شرق آسیا شما را به انتخاب کشوری از این حوزه برانگیخت؟

در واقع دو ویژگی اساسی. ویژگی نخست اینکه کشورهای شرق و جنوب آسیا تجربه یگانه‌ای از توسعه را نشان می‌دهند. درحالی‌که ژاپن بسیار پیش‌تر از کشورهای دیگر این منطقه به جرگه توسعه‌یافتگان پیوسته است، چین، کره‌جنوبی، مالزی و تایوان بافاصله از این کشور و در دهه‌های ۱۹۹۰ به بعد به عنوان معجزه آسیای شرقی یا اقتصادهای تازه‌صنعتی‌شده شناخته شده‌اند. تجربه توسعه در این کشورها یکسان نیست و هر یک مسیر متفاوتی پیموده‌اند. همه این کشورها برنامه‌های توسعه اجرا کرده‌اند اما راهبردهای اصلی آن‌ها متفاوت بوده است. با این‌وجود، دولت توسعه‌گرا، مقابله جدی و شدید با فساد، کاهش تبعیض و سیاست‌های مبتنی بر نیاز، نقطه مشترک این کشورهاست. ویژگی دوم هم اینکه ساختار نهادی و عملکرد کشورهای شرق آسیا، عکس کشورهای توسعه‌یافته، از نظر پیشرفت علمی و فناورانه، یکسان نیست. تایوان از منظر شدت رقابت محلی، حقوق مالکیت فکری، کیفیت آموزش علوم و ریاضی، کیفیت مدارس، توسعه فناوری و همکاری تحقیقاتی دانشگاه و صنعت و کنترل فساد نسبت به سه کشور دیگر کارکرد بهتری داشته است. کره جنوبی نیز در جذب فناوری، صدور فناوری برتر، حاکمیت قانون، شدت رقابت محلی، حمایت از حقوق مالکیت فکری و کیفیت آموزش علوم و ریاضی جایگاه بهتری نسبت به مالزی و چین داراست. اگر چه چین دارای نقل‌قول در مجلات علمی را داراست اما وضعیت جذب فناوری، کنترل فساد، حاکمیت قانون و حمایت از حقوق مالکیت فکری در آن ضعیف‌تر از کشورهای دیگر است.

مجله: از شرق آسیا که صحبت می‌کنیم، امروز در ذهن هر ایرانی بیشتر نام چین متبادر می‌شود. کشوری که سال ۲۰۰۰ در رده ۲۳ اقتصاد صنعتی جهان قرار داشت و امروز در سال ۲۰۲۲ در رتبه دوم است. کدام ویژگی‌های توسعه اقتصادی چین از نظر شما خاص‌تر و متفاوت‌تر است؟

چین در حالی که به بلوک کمونیست تعلق دارد سنت‌های مارکسیستی را با دعوی اعمال سیاست‌های آزادی اقتصادی نقض کرده و از این جهت وضعیت منحصر به فردی دارد. همزمان این کشور جامعهٔ ۱.۳ میلیارد نفری خود را از فضای سیاست کشور کنار گذاشته است. دشوار است بتوانیم کشوری مشابه بیابیم که همزمان با ادعای اداره یک اقتصاد آزاد، چنگال آهنین حزب کمونیست را بر اهرم‌های اقتصادی کشور حفظ کرده باشد. صرف‌نظر از چند و چون‌های سیاسی در این خصوص، جمعیت عظیم چین یک عامل مهم در شکل‌گیری یک بازار بزرگ داخلی است. وقتی به اهمیت اولویت بازار توجه می‌کنیم، می‌بینیم که چین چگونه می‌تواند از این ظرفیت عظیم استفاده کند و با دسترسی تجاری بازار با فن‌آوری‌های پیشرفته‌ای که از شرکت‌های چند ملیتی نیاز دارد، کمبود فن‌آوری خود را جبران نماید. این که تنها تعداد اندکی از کشورها، می‌توانند داوطلب در پیش گرفتن این استراتژی باشند نیز بیانگر پیچیدگی‌های این الگو است. شما به شروع روند جهش اقتصادی این کشور اشاره کردید و بد نیست اشاره شود که این کشور ۱۴ سال دوران رشد مداومی را طی نمود تا از سال ۲۰۱۴ سرانه تولید ناخالص داخلی آن در رده بالای درآمد متوسط کشورها قرار گرفته است. در عین حال یک موضوع مهم در مورد چین این است که باید دید، چگونه ترکیب نهادی سوسیالیسم و اصول بازار در دراز مدت

به فرجام خواهد رسید. سنگاپور و چین، که نمونه‌های خوبی از انعطاف‌پذیری اقتصادی و سطح بالای درآمد در شرق آسیا هستند، تحت حاکمیت یک طرفه قرار گرفته‌اند. رشد اقتصادی برای چین و بازار بزرگ ۱.۳ میلیارد نفری آن، که برای شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی بسیار جذاب است. این عامل بصورت یک محرک قوی عمل می‌کند. سیاست اقتصادی چین سال‌هاست که مبتنی بر تبادل بازار ۱.۳ میلیارد با فن‌آوری پیشرفته خارجی می‌چرخد. برای مثال، شرایط اصلی دولت چین برای شرکت‌های خارجی که به دنبال دسترسی به بازار چین هستند، انتقال فن‌آوری‌هایی مانند خطوط راه‌آهن و فن‌آوری نمک‌زدایی است. با توجه به مقیاس و پاداش‌های بالقوه برای دسترسی به آن بازار، شرکت‌هایی با تکنولوژی لازم اغلب ثابت کرده‌اند که مایل به کاهش این معاملات هستند. بنابراین، چین می‌تواند نیروی کار ارزان خود را با دسترسی به فن‌آوری پیشرفته ترکیب کند تا وارد بازار بین‌المللی شود و در برابر تولید کنندگان اصلی فن‌آوری موضع نسبتا قوی‌تری داشته باشد. همان طور که این رویکرد ممکن است فریبنده به نظر برسد، منصفانه است که بگوییم به بهترین شکل با مورد چین و جمعیت عظیم آن متناسب است و برای کشورهایی که فاقد مزایای چین از یک بازار بزرگ داخلی و سرمایه‌داری ترکیبی دولتی هستند، امید کمتری وجود دارد.

مجله: آیا به الگوبرداری از تجربه توسعه کشورها اعتقاد دارید؟

بحث اینجا کمی مفصل می‌شود. سعی می‌کنم تا حد ممکن به اختصار پاسخ دهم. موفقیت اقتصادی چین تحت سیستم سیاسی اقتدارگرا در سه دهه گذشته پرسش‌های فراوانی پیرامون اینکه آیا مدل چین می‌تواند جایگزین نوسازی و توسعه غربی شود یا خیر برانگیخته است. در رابطه با این مساله که چین الگوی موفق قابل عرضه در زمینه توسعه اقتصادی به جهان، به خصوص به کشورهای در حال توسعه است یا خیر، دو نکته حائز اهمیت است. نخست این که حتی محققین چینی معتقد به وجود مدل توسعه چینی نیز در این نکته اتفاق نظر دارند که این مدل هنوز در فرآیند آزمون و خطا و شکل‌گیری تدریجی و تکاملی سیر می‌کند و شکل نهایی خود را با مختصات یک مدل، به دست نیاورده است. دوم این که مدل توسعه چین در بعد اقتصادی، فنآوری، نظامی و برخی جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی پیشرفتی چشمگیر داشته، اما در بعد سیاسی و شکلگیری هنوز راهی طولانی در پیش دارد. در واقع نمی‌توان اصلاحات اقتصادی بدون اصلاحات سیاسی و سیستم اداری داشت. «زانگ ویوی»، الگوی اقتصادی چین را مدل شرق آسیا نامیده و می‌گوید که کشورهای شرق آسیا، زمانی تحت تاثیر تمدن چین، به ویژه سنت‌های کنفوسیوسی و هنجارهای آن بوده‌اند. الگو و مدل چینی، در واقع همان گسترش منحصر به فرد مدل شرق آسیاست که عبارت است از فرآیند نوسازی تحت هدایت دولت (دولت توسعه‌گرا) که در چهار اژدهای کوچک سنگاپور، هنگ‌کنگ، کره‌جنوبی و تایوان با برخورداری از سابقه فرهنگی مشابه ملاحظه شده است. این چهار اژدها، با وجود همه مشکلات، با استفاده از مدل شرق آسیا توانسته‌اند پیشرفت اقتصادی قابل توجه کسب کنند. چین نیز به مانند آن چهارکشور، برنامه نوسازی خود را با موفقیت دنبال کرده و به طور همزمان، اقتصاد «برنامه‌ریزی شده» خود را به آن چه «اقتصاد بازار سوسیالیستی» نام نهاده، تبدیل ساخته است. از زمان آغاز اصلاحات و شکوفایی چین در سال ۱۹۷۸، این کشور راهی طولانی را در مسیر سوسیالیسم چینی، تحت رهبری حزب کمونیست طی کرده است. همان طور که اشاره داشتید، در طول بیش از سه دهه اصلاحات، تلاش‌ها و رشد اقتصادی پایدار و چشمگیر چین، این کشور را به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل کرده و تغییرات جدی زیادی در جامعه چین طی این سه دهه از سبک زندگی تا سبک تولید ایجاد شده است. این تحولات و پیشرفت‌های مهم تاریخی از دهه ۱۹۹۰ توجه محققان، دولت‌ها و عموم مردم را بیش از پیش به این کشور جلب کرده و جدیدترین موج مطالعات چین را آغاز کرده است. کلید واژگان «معجزه چین»، «پدیده چین»، «تجربه چین»، «مسیر چین» و «مدل چین»، برخی از داغ‌ترین موضوعات امروز کتاب‌های توسعه هستند.

مجله: لطفا در مورد این کتاب برای خوانندگان توضیح دهید؟

کتاب « دولت، جامعه و توسعه اقتصادی در کره جنوبی»، اثر یکی از طراحان توسعه این کشور «سِئونگ-هون چون»، تلاش دارد با طرح پرسش‌های گوناگون و پاسخ به آن توضیح دهد که تحول شگرفی که به معجزه‌ی اقتصادی این کشور شهرت یافته، چگونه رخ داده است. با وجود کمبود منابع طبیعی، تراکم شدید جمعیت ساکن در اراضی محدود زراعی، چگونه کشوری فقط در دوره‌ی یک نسل، از جامعه‌ای فقیر به یک کشور صنعتی مدرن تبدیل می‌شود؟ چگونه کشور

می‌تواند امید به تحقق اهداف توسعه داشته باشد در حالیکه در اثر مواضع تهاجمی همسایه شمالی آن و چالش‌های شدید بین‌المللی، درگیر تهدیدات ژئوپلیتیکی طولانی برای بقاست؟ این کتاب به استراتژی‌ها، ترتیبات نهادی، نقش کارآفرینان، کارگران، نیروهای اجتماعی و دولت در این «اودیسه‌ی پرماجرا» می‌پردازد، و اینکه چگونه این عوامل به واسطه‌ی رهبری کارآمد، برای دگرگون کردن اقبال اقتصادی کره جنوبی با همدیگر همکاری کرده‌اند. چنانکه نویسنده تصریح می‌کند، آنچه این کتاب در پیِ انجام آن است، در مرکزِ توجه قرار دادنِ نیروهای توسعه اقتصادی، مشارکت‌های پویا و تعارضاتِ میان نقش آفرینان این عرصه و هرچه شفاف‌تر نمودنِ آنهاست. رویکرد تحلیلی این کتاب دارای چند ویژگی است: یکم اینکه تمامی فرآیند توسعه‌ی کره‌جنوبی، از زمانی که کشوری فقیر و وابسته به کمک‌های خارجی بود تا هنگامی که به کشوری صنعتی، مدرن و وام دهنده تبدیل شد، را در بردارد و نشان می‌دهد که چگونه یک کشور می‌تواند وضعیت خود را از فقر و شکنندگی اجتماعی و اقتصادی به کشوری صنعتی و دموکراتیک تبدیل کند. دوم اینکه مسائل و رفتارهای بازیگران اصلی در فضای دورهٔ گذار این کشور به توسعه اقتصادی، در این اثر را به روشنی انعکاس یابد. سوم اینکه در این اثر توسعه اقتصادی فرآیندی پویا برای دستیابی به نیروهای محرکه ترسیم می‌شود که دارای فراز و نشیب‌های بسیاری است. نویسنده نشان داده است که نیروهای محرکه و زیرساخت‌های رشد اقتصادی پایدار و دولت سازی در یک کشور چگونه ایجاد می‌شوند و پیامدهای آن‌ها چیست. این بخش دشوارترین گام توسعه و مشابه مرحله‌یِ برخاستن از زمین، برای هواپیما است. پس از برخاستن است که کشور در مسیر رشدی پایدار توأم با انعطاف‌پذیری قرار می‌گیرد. «سِئونگ-هون چون»، که دانش آموخته اقتصاد از دانشگاه میشیگان و رئیس موسسه راهبردیِ توسعه کره (KDS) است، به مدت سه دهه درگیر سیاست توسعه برای دولت کره‌جنوبی بوده است، و هم اکنون به طور فعال به کشورهای در حال توسعه مشاوره‌های سیاستی می‌دهد.

مجله: سرآخر؟

از فصلنامه سیاست‌پژوهی قدردانی می‌کنم و امیدوارم این اثر و نیز تولید و ترجمه ادبیات توسعه بالاخص در مورد شرق آسیا، با توجه به شرایط خاصی که در سیاست خارجی کشور ما وجود دارد، ظرفیت‌هایی درس‌آموز از تجارب زنده و مدل‌های جاری و فعال جهانی را برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور در این هفت خوان پر ماجرا فراهم نماید.

